



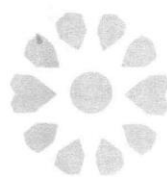
به نام خدایی که جان آفرید

ستایش

ای نام نکوی تو، سردمردیوان ما

وی طلعت روی تو زینت ده عجمان ما

(مستوره کردستانی)



ای نام نکوی تو، سردفتر دیوان‌ها  
وی طلعت روی تو زینت ده‌عنوان‌ها  
(مستوره کردستانی)

معنی بیت: ای خدایی که نام خوبت، سرآغاز هر گفته و نوشته‌ای است و ای کسی که دیدار جمالت زینت‌بخش هر کتاب شعری است.

## مستوره کردستانی

«ماه‌شرف خانم» فرزند ابوالحسن مستوره کردستانی، متولد ۱۲۲۰ ه. ق در شهر سنندج شاعری است که به دو زبان فارسی و کردی شعر سروده است. او را نخستین زن تاریخ‌نویس کرد در ایران شمرده‌اند. «دیوان اشعار» و «تاریخ اردلان» از آثار اوست.

سبایش

به نام خدایی که جان آفرید

به نام خدایی که جان آفرید  
خداوند بخشنده‌ی دستگیر  
پرستارِ امرش همه چیز و کس  
یکی را به سر، برنهد تاجِ بخت  
گلستان کند آتشی بر خلیل  
به درگاهِ لطف و بزرگیش بر  
جهان، متفق بر الهیتش  
بشر، ماورای جلالش نیافت  
تأمل در آینه‌ی دل کنی  
مُحال است سعدی که راهِ صفا  
سخن گفتن اندر زبان آفرید  
کریمِ خطابخشِ پوزش‌پذیر  
بنی آدم و مرغ و مور و مگس  
یکی را به خاک اندر آرد ز تخت  
گروهی بر آتش برآب نیل  
بزرگان نهاده بزرگی ز سر  
فرومانده از کُنه ماهیتش  
بصر، مُنتهایِ جمالش نیافت  
صفایی به تدریج، حاصل کنی  
توان رفت جز بر پی مصطفی

(بوستان سعدی)

واژه‌نامه



دستگیر: یاری دهنده	کریم: بخشنده
بنی آدم: فرزند آدم	متفق: هم نظر، موافق
الهیّت: خداوندی	منتها: نهایت
تأمل: اندیشیدن	مُحال: غیر ممکن
کُنه: عمق	ماهیت: هویت، ذات
بشر: انسان	ماورا: فراتر

جلال: شکوه	بصر: چشم
جمال: زیبایی	به تدریج: کم‌کم
پی: دنبال، پیرو	

به این بخش از کتاب «تحمیدیه» می‌گویند. تحمیدیه یعنی شروع هر نوشته‌ای که با حمد و ستایش خداوند آغاز گردد. در ادبیات کشور ما هر کتابی با ستایش خداوند یکتا آغاز می‌گردد و این ستایش‌ها روح انسان را به سمت آرامش سوق می‌دهد. ستایش گاهی در قالب شعر است و گاهی در قالب نثر. شعر «به نام خدایی که جان آفرید» تحمیدیه کتاب بوستان سعدی است.

## شرح برخی از آیات:

\* قالب شعر «مثنوی» است.

\* به نام خدایی که جان آفرید سخن گفتن اندر زبان آفرید  
 قافیه: جان، زبان ردیف: ندارد  
 آرایه‌ی تلمیح دارد و به آیات اولیه سوره الرحمن اشاره دارد: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ، عَلَّمَهُ الْبَيَانَ»  
 «انسان را آفرید و به او قدرت تکلم و بیان داد.»  
 معنی بیت: به نام خداوندی که روح و روان را برای انسان خلق کرد و نعمت سخن گفتن را نصیب انسان‌ها کرد.

\* خداوندِ بخشنده دستگیر  
 کرمِ خطِ ابخشِ پوزش‌پذیر  
 قافیه: دستگیر، پوزش‌پذیر ردیف: ندارد  
 معنی بیت: خداوند بخشنده‌ای که پاور و پشتیبان ماست. خدایی که بخشنده است و خطاها و اشتباهات ما را می‌بخشد و عفو ما را می‌پذیرد.

\* پرستارِ امرش همه چیز و کس  
 بنی آدم و مرغ و مور و مگس  
 قافیه: کس، مگس ردیف: ندارد  
 معنی بیت: خداوندی که هر چیزی در این جهان از انسان که اشرف مخلوقات است تا مرغ و مور و مگس، همه و همه اوامر الهی را اطاعت می‌کنند و به فرمان او هستند.

\* یکی را به سر، بر نه د تاجِ بخت  
 یکی را به خاک اندر آرد ز تخت  
 قافیه: بخت، تخت ردیف: ندارد  
 اضافه تشبیهی: تاج تخت

آرایه‌ی تلمیح دارد و به آیه ۲۶ از سوره آل عمران اشاره دارد: «... تُوْتِي الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ...»  
 «حکومت و فرمان‌روایی را به هر کس بخواهد می‌دهد و از هر کس بخواهد پس می‌گیرد.»

## ستایش

معنی بیت: خداوندی که بر سر یکی از بندگانش تاج عزت و خوش بختی می‌گذارد و به او عزت می‌بخشد و دیگری را که شایسته‌ی عزت نیست، به خاک ذلت می‌کشد و از تخت پادشاهی پایین می‌کشد.

﴿گُلَسْتَانُ كُنْدَ آتَشِي بِرِ خَلِيلٍ﴾ گروهی بر آتش برد ز آب نیل

قافیه: خلیل، نیل ردیف: ندارد

آرایه‌ی تضاد (طباق) دارد: آب ≠ آتش

(البته آب و آتش در گروه عناصر اربعه هم قرار دارند و به عنوان تناسب هم می‌توانند کنار هم قرار بگیرند.)

در سوره انبیاء، آیه ۶۹ آمده است: «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ اِبْرَاهِيمَ»

«گفتیم: ای آتش سرد باش و بر ابراهیم سلامت باش.»

معنی مصراع اول: تلمیح دارد به داستان حضرت ابراهیم (ع) که به خواست خداوند آتش بر ابراهیم خلیل به گلستانی تبدیل شد.

مصراع دوم هم تلمیح دارد به آیه‌ی شریفه‌ی: «فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ»

«از آن‌ها انتقام گرفتیم و آن‌ها را در دریا غرق کردیم.» (سوره اعراف / آیه ۱۳۶)

معنی مصراع دوم: مربوط به داستان عبور حضرت موسی (ع) و یارانش از روی رود نیل است که برای لحظه‌ای خشک شد تا حضرت و یارانش از آن‌جا عبور کنند و پس از آن دوباره رود نیل پرآب شد و دشمنان موسی (ع) را در خود غرق کرد.

﴿بِه دَرگَاهِ لَطْفِ وَ بزرگیشِ بِرِ بزرگانِ نِهَادِه بزرگیِ ز سر﴾

قافیه: بر، سر ردیف: ندارد

آرایه‌ی تکرار دارد. (بزرگی تکرار شده است.)

از سر بیرون نهادن: کنایه است از، از یاد بردن، فراموش کردن

معنی بیت: آن قدر درگاه لطف و گرم خداوندی بزرگ است که همه‌ی بزرگان و پادشاهان فکر بزرگ بودن خودشان را فراموش کرده‌اند.

﴿جِهَانِ، مُتَفِقِ بِرِ الْهَيْتِشِ فَرُومَانِدِه از کُنِه مَاهَيْتِش﴾

قافیه: الهیتش، ماهیتش ردیف: ندارد

معنی بیت: همه‌ی افراد جهان بر یکتایی خداوند اتفاق نظر دارند و اگر همه‌ی فکرهای جهانیان روی هم جمع شود و درباره‌ی خداوند اندیشه کنند نه تنها پاسخی نخواهند داشت، بلکه هرگز به عمق ماهیت و هستی خداوند نمی‌توانند راه پیدا کنند و همگان در شناخت واقعی خداوند درمانده‌اند.

﴿بَشَرِ، مَاورایِ جَلَالِشِ نِیَافَتِ بَصَرِ، مُنْتَهَايِ جَمَالِشِ نِیَافَتِ﴾

قافیه: جمالش، جلالش ردیف: نیافت

معنی بیت: انسان که اشرف مخلوقات است با همه‌ی تحقیق‌ها و بررسی‌های دنیایی، هنوز نتوانسته است کسی را باشکوه‌تر از خداوند پیدا کند و چشم‌ها هر چه قدر هم که زیبایی در طبیعت ببیند، باز هم به نهایت زیبایی خداوند نمی‌تواند دست پیدا کنند.



\* قائل در آینه‌ی دل کنی صفایی به تدریج، حاصل کنی

قافیه: دل، حاصل ردیف: کنی

ترکیب تشبیهی: آینه‌ی دل

معنی بیت: برای شناخت واقعی خداوند باید در خودت بیندیشی و به دلت که همچو آینه‌ای پاک و روشن است رجوع کنی. آن وقت به تدریج و آهسته آهسته صفایی در وجودت احساس می‌کنی.

\* مُحال است سعدی که راه صفا توان رفقت جز بر پی مصطفی

قافیه: صفا، مصطفی ردیف: ندارد

سعدی: تخلص شیخ مصلح‌الدین شیرازی است.

معنی بیت: ای سعدی اگر می‌خواهی که درست به راه سعادت برسی، به جز راه و شیوه‌ی مصطفی (حضرت رسول اکرم (ص)) راه دیگری نرو و دنباله‌رو شیوه‌ی حضرت رسول اکرم (ص) باش.

## بوستان سعدی



بوستان یا سعدی‌نامه، نخستین اثر سعدی به‌شمار می‌رود که در قالب مثنوی سروده شده است. سعدی این اثر را زمانی که در سفر بوده است، سروده و هنگام بازگشت به شیراز آن را به دوستانش عرضه داشته است. پایان این کار در سال ۶۵۵ ه. ق می‌باشد و از نظر قالب و وزن شعری شبیه به شاهنامه‌ی فردوسی است و از نظر محتوا به اخلاق، تربیت، سیاست و موضوعات اجتماعی پرداخته است.

- ۱- عدل ۲- احسان ۳- عشق ۴- تواضع ۵- رضا ۶- ذکر ۷- تربیت  
۸- شکر ۹- توبه ۱۰- مناجات

این کتاب حدود چهار هزار بیت دارد و سعدی آن را به نام «اتابک ابوبکر بن سعد زنگی» کرده است.



درس اول: پیش از این ها

درس دوم: خوب جهان را ببین! - صورتگر ماهر

چشم دل باز کن که جان بینی  
آن چه نا دیدنی است آن بینی  
(هاتف اصفهانی)



چشم ده باز کن که جان بینی      آن چه نادیدنی است آن بینی  
(هاتف اصفهانی)

معنی بیت: با تمام وجود اطراف را نگاه کن تا حقیقت هستی و آن چه را که با چشم ظاهر دیدنی نیست، را بینی.

هاتف اصفهانی

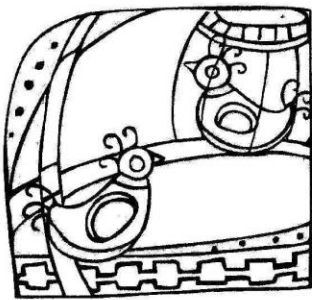
سید احمد از شاعران قرن دوازدهم و دوره افشاریه و زندیه است. وی در سرودن غزل از سعدی و حافظ پیروی می‌کرد.

درس اول

پیش از این‌ها

«وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمَا تَوْسُوٰسٍ بِهٖ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ اِلَيْهٖ مِنْ حَبْلِ الْوَرْدِ» (ق ۱۶)

و به یقین ما انسان را آفریدیم و آن‌چه را نفسش به آن سبب  
در او وسوسه می‌کند، می‌دانیم و ما به او از رگ گردن نزدیک‌تریم.  
دوست نزدیک‌تر از من به من است  
وین عجب‌تر که من از وی دورم  
چه کنم با که توان گفت که دوست  
در کنار من و من مهجورم



واژه‌نامه

خشت: آجر

طین: صدا، آوا

توفنده: خشمگین، ویران‌کننده

دلگیر: غصه‌دار

بیریا: بدون آرایش و ناپاکی

بوریا: حصیر

شرح برخی از آیات:

\* قالب شعر پیش از این‌ها «مثنوی» است.

\* مثل قصر پادشاه قصرها خشتی از الماس و خشتی از طلا

معنی بیت: گمان می‌کردم خانه‌ی خدا مانند قصر پادشاهان با آجرهایی از الماس و طلا ساخته شده است.

مراعات التظیر (تناسب) بین «قصر و پادشاه» و «الماس و طلا»

ماه برق کوچکی از تاج او هر ستاره پولکی از تاج او  
 گمان می‌کردم ماه درخشان، درخشش کوچکی از تاج خداوند است و هر ستاره‌ای یکی از گوهرهای روی  
 تاج اوست.

تناسب بین ماه و ستاره و برق وجود دارد.

فعل در مصراع اول و دوم حذف شده است.

ماه برق کوچکی از تاج او [است] هر ستاره پولکی از تاج او [است]. ضرورت حذف فعل زمانی احساس می‌شود که شاعر  
 یا نویسنده برای جلوگیری از تکرار و ایجاد ملال در ذهن خواننده، آن‌چه را که خواننده می‌تواند حدس بزند، حذف کند.  
 ۲ نوع حذف فعل داریم:

(۱) حذف لفظی

(۲) حذف معنوی

(۱) حذف به تیره لفظی

برای جلوگیری از تکرار فعلی که قبلاً یک‌بار ذکر شده است.

این شهر دروازه‌ای در زمین داشت و دروازه‌ای دیگر در آسمان. [داشت]

(۲) حذف به تیره معنوی

مخاطب از مفهوم جمله، به فعل حذف شده پی می‌برد.

هر که بامش بیش [است] برفش بیش تر [است]

رعد و برق شب‌طنین خنده‌اش سیل و طوفان نعره‌ی توفنده‌اش

صدای رعد و برق شبانه را صدای خنده‌های خداوند تصور می‌کردم و حوادث وحشتناک مثل سیل و طوفان  
 را صدای عصبانیت و خشم او می‌دانستم.

حذف فعل [بود] به قرینه معنوی

گفت: آری، خانه‌ی او بی‌ریاست فرش‌هایش از گلیم و بوریاست

پدرم جواب داد: «بله خانه‌ی خدا (مسجد) ساده و بی‌آلایش است. فرش‌های این خانه، چیزی جز گلیم و  
 حصیر نیست.»

تناسب: «خانه، فرش، گلیم و بوریا» شبکه‌ی معنایی ساخته‌اند.

مهربان و ساده و بی‌کینه است مثل نوری در دل آینه است

خداوند مهربان و ساده است و از خطاهای ما کینه‌ای ندارد و با ما دشمنی نمی‌کند.

خداوند مثل نوری است که در آینه تجلی پیدا می‌کند و موجب می‌شود که ما خودمان را در آینه ببینیم. (هر کدام از ما  
 تصویری از خداوند هستیم. وقتی به بی‌نهایت خودشناسی برسیم به خداشناسی خواهیم رسید و اگر در آینه وجود،  
 خودمان را بنگریم، خداوند را در آن آینه می‌بینیم. به قول حافظ:

ماء در پیاله عکس رخ یار دیده‌ایم ای بی‌خبر ز لذت شرب مدام ما تشبیه دارد. خداوند به نور تشبیه شده است. دل آینه: اضافه‌ی استعاری است. جان‌بخشی به اشیاء (تشخیص) دارد. آینه را انسان تصوّر کرده است و برای او (دل) قایل شده است.

\* دوستی از من به من نزدیکتر از رگ گردن به من نزدیکتر

معنی بیت: خداوند دوستی است که از خود من به من نزدیک‌تر است و در حقیقت من را از خودم بهتر می‌شناسد. او از رگ گردن به من نزدیک‌تر است. (او از همه‌ی علایق و سلیقه‌ها و خواسته‌های من باخبر است). بیت تلمیح دارد به آیه‌ی (۱۶) از سوره (ق).  
نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ  
«ما از رگ گردن به شما نزدیک‌تر هستیم.»

## تلمیح

شاعر یا نویسنده، گاهی برای زیباتر ساختن سخن و یا تأثیرگذاری بیش‌تر آن به‌طور غیرمستقیم از آیات، روایات، احادیث، داستان‌ها و رویدادهای مهم تاریخی و... استفاده می‌کند. مانند:

\* ذات او دروازه‌ی شهر علم ————— زیر فرمانش حجاز و چین و روم

اشاره به حدیث «أنا مدينة العلم و علی بابها» که حضرت رسول فرموده‌اند: «من شهر علم هستم و علی دروازه‌ی آن.»

\* بوی پیراهن یوسف چو به یعقوب رسید دل او شاد شد و دیده‌ی او گشت بصیر

اشاره به دوری یوسف از حضرت یعقوب (ع) و دادن پیراهن او توسط برادرانش به یعقوب که موجب شادی دل حضرت یعقوب (ع) شد.

\* هم‌چو یونس آمده بیرون ز بطن حوت و افتاده بر کناره دریا نحیف و زار

اشاره به داستان گیر افتادن حضرت یونس در شکم ماهی دارد.

درباره‌ی قیصر امین‌پور می‌دانیم که:

- در روز دوم اردیبهشت سال ۱۳۳۸ در یکی از شهرستان‌های استان خوزستان به دنیا آمد.
- قیصر را به عنوان یکی از نام‌آورترین شاعران انقلابی این سرزمین می‌دانیم.
- او مدتی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی مشغول به کار بود و مدتی هم شعر نوجوان مجله‌ی سروش را به عهده داشت.
- در طی زندگی پر بارش آثار زیبایی از خود به جا گذاشته است. از جمله: در کوچه‌ی آفتاب - مثل چشمه مثل رود - آینه‌های ناگهان - به قول پرستوها - گل‌ها همه آفتاب‌گرداند
- او در پاییز ۱۳۸۶ در سن ۴۸ سالگی چشم از جهان بست و به معبود خود پیوست.



## نکته

به این کتاب با دقت نگاه کن.

اگر یکی از دوستانت از تو بخواهد که این کتاب را برایش توصیف کنی، چه می‌گویی؟

چطور می‌توانی ارزش این کتاب را برای دوستت بیان کنی؟

از چه واژه‌هایی برای توصیف آن استفاده می‌کنی؟

حتماً برای توصیف آن به رنگ، جنس، اندازه، وزن، نام، تصویر، محل انتشار آن و محتوای آن اشاره خواهی کرد.

یعنی هم ظاهر کتاب را در نظر می‌گیری و هم محتوا و درون آن را با دقت و تأمل جست‌وجو می‌کنی.

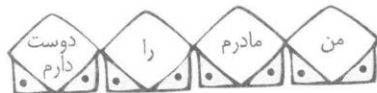
کتاب و هر چیز دیگری از دو بُعد ظاهر و محتوا تشکیل شده است که یکی بدون دیگری قابل تعریف نیست.

از مثالی که زدم، می‌خواهم ذهنت را به واژه‌ها و دستور زبان، سوق بدهم.

واژه‌ها و جمله‌هایی که ما هر روز می‌شنویم و می‌خوانیم، مانند ظرف‌هایی هستند که فکر ما را در خود جای می‌دهند. در حقیقت زبان هم مثل بقیه‌ی چیزها ظاهر و محتوا دارد. ظاهر یا «ساختار» زبان همان واژه‌ها و

جمله‌هایی است که ما به کار می‌بریم و «محتوا»ی زبان همان مفاهیم نهفته در گفتار و نوشتار ماست. وقتی می‌گوییم: من مادرم را دوست دارم.

با دو بُعد زبان روبه‌رو هستیم. ساختار زبان: واژگان



اما محتوای زبان در این جمله: نوعی جمله‌ی خبری است که احساس گوینده به مادرش را به مخاطب می‌رساند.

برای بررسی ساختار (شکل بیرونی) هر اثری می‌توانیم به این پرسش‌ها پاسخ بدهیم:

۱) متن اثر به نثر است یا نظم؟

۲) شیوهی بیان نوشته زبانی است یا ادبی؟

۳) واژه‌های متن، ساده و قابل فهم هستند یا دشوار و دیرپاب؟

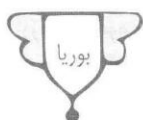
و برای بررسی محتوای درونی یک اثر به معنایی و ارزش مفهومی آن توجه کنیم.

مثلاً کتاب گلستان سعدی از نظر ساختاری: از هشت باب تشکیل شده. دارای تعدادی صفحه است و...

و از باب محتوا و درون‌ساخت، محتوایی حکمت‌آموز و اندرزگونه دارد.

## تمرین های تشریحی

۱) هم معنی ( مترادف) کلمات زیر را از بین کلمات داده شده پیدا کن و به کلمه ی مربوط وصل کن.



۲) درباره ی بیت «یکی را به سر برنهد تاج بخت / یکی را به خاک اندر آرد ز تخت» یک بند بنویس.

---



---



---



---



---

فعل	نهاد
	۱
	۲
	۳
	۴

۳) با توجه به عبارت های داده شده، جدول را کامل کن.

۱) در دل او دوستی جایی نداشت.

۲) با وضویی دست و رویی تازه کرد.

۳) ماه، برق کوچکی از تاج او

۴) هیچ کس از جای او آگاه نیست.

درستی و نادرستی عبارتهای زیر را با علامت ✓ یا ✗ مشخص کن.



شاعر، پایه‌های برج خداوند را از خشت الماس و طلا تصوّر می‌کرده است.



بیت «زود می‌گفتند: این کار خداست / پرس و جو از کار او کاری خطاست» ۳ جمله دارد.



شعر زیبای «پیش از اینها» از کتاب «به قول پرستوها» انتخاب شده است.



بین «گلیم» و «بوریا»، شبکه‌ی معنایی وجود ندارد.



ترکیب «دل آینه» و «نعره‌ی توفنده» ترکیب وصفی هستند.

بیت «دوستی از من به من نزدیک‌تر / از رگ گردن به من نزدیک‌تر» به کدام آیه‌ی قرآن تلمیح دارد؟

در هر کدام از ابیات زیر، چه آرایه‌ای به کار رفته است؟

تلمیح: ماه برق کوچکی از تاج او / هر ستاره پولکی از تاج او

تکرار: مهربان و ساده و بی‌کینه است / مثل نوری در دل آینه است

تناسب: دوستی از من به من نزدیک‌تر / از رگ گردن به من نزدیک‌تر

تشبیه: تازه فهمیدم خدایم این خداست / این خدای مهربان و آشناست



۷) به دیوان یکی از شاعران بزرگ کشورمان مراجعه کن و بیتی پیدا کن که در آن آرایه‌ی تلمیح به کار رفته باشد. خودم یک نمونه مثال می‌زنم:

سگ اصحاب کهف، روزی چند  
پی‌مردم گرفت و آدم شد

۸) ساختار بیرونی ابیات زیر را بررسی کن.

گفت: «این‌جا می‌شود یک لحظه ماند  
با وضوی دست و رویی تازه کرد  
گوشه‌ای خلوت، نمازی ساده خواند  
با دل خود گفت‌وگویی تازه کرد»

- ۱) نوع عبارت:  نظم  نثر  
۲) قالب شعر:  قطعه  مثنوی  غزل

۳) قافیه:

۴) ردیف:

- ۵) تعداد جمله‌ها:  یک  دو  سه  چهار  پنج  شش  
۶) نوع جمله‌ها:  خبری  امری  عاطفی  پرسشی

## کلمه‌های مهم املائی



قصد - قصه - خشت - الماس - طلا - برج - غرور - پولک - رعد و برق - نعره - طوفان (توفان) - بی‌رحم - خطا - پرس‌وجو - خاطر - ذهن - خلوت - وضو - بوریا - آیینه - بی‌ریا - قصد - لحظه

## نکته‌های املائی

۱) در زبان فارسی، بعضی حروف مانند «ذ، ض، ز، ظ» تلفظ یکسان دارند اما شکل نوشتاری آن‌ها در کلمات متفاوت است. با توجه به معنی کلمه، باید در املا، به این‌گونه کلمات توجه کنیم.

«ظلمت - مزاحم - گذراندن - ضیافت»








۲) در کلمات هم‌خانواده، ریشه‌ی کلمات یکسان هستند. این کلمات در نوشتن املا به ما کمک می‌کنند. هرچند تا هم‌خانواده که برای کلمه‌ای پیدا می‌کنیم از نظر نوشتن حروف و نوع آن‌ها در کلمه، مشابه هستند، مانند: ضرر، مضر، مَضْرَبات

9 کلماتی پیدا کن که نشانه‌های «ذ، ض، ز، ظ» دارند و جدول زیر را کامل کن.

ظ	ض	ذ	ز
.....	.....	.....	.....
.....	.....	.....	.....
.....	.....	.....	.....
.....	.....	.....	.....

10 برای هر یک از کلمه‌های زیر، سه تا هم‌خانواده نوشته شده، تو هم یک هم‌خانواده، به گروه آن‌ها اضافه کن.

	تعریف	عرفان	عارف	عرفا
	افهام	فهم	فهم	مفاهیم
	استخدام	خدمه	خادم	خدمات
	اظهار	ظهور	ظاهر	مظاهر
	موثر	تأثیر	اثر	آثار

## پرسش‌های چهارگزینه‌ای



۱. ضمیر پیوسته‌ی «اول شخص مفرد» در کدام یک از گزینه‌ها به کار رفته است؟

- (۱) پایه‌های برجش از عاج و بلور
- (۲) خانه‌اش در آسمان دور از زمین
- (۳) پیش از این‌ها خاطر م دلگیر بود
- (۴) زود پرسیدم پدر، این چا کجاست

۲. در کدام دسته از کلمات، غلط املایی وجود دارد؟

- (۱) خاطر، عادت، بی‌کینه، طوفان، طنین
- (۲) حضور، عادت، خاطر، بی‌کینه، طوفان
- (۳) عادت، بی‌کینه، توفنده، وضو، لحظه
- (۴) لحظه، حضور، وضو، بوری، نعره

۳. همه‌ی ابیات، آرایه‌ی تلمیح دارند به غیر از:

- (۱) من‌دیش که دام هست یانه
- (۲) حلقه‌ی در شد از او دام‌ن‌گیر
- (۳) هفت سال ایوب با ضیف خدا
- (۴) در گمان آمدش که این چه فن است
- بر مردم چشم دیدن آموز
- که علی بگذر و از ما مگذر
- در بلا خوش بود با صبر و رضا
- اصل طوفان، تنور پیرزن است

۴. کدام یک از عبارات‌های زیر یک جمله‌ی کامل نیست؟

- (۱) در میان راه، در یک روستا
- (۲) رعد و برق شب، طنین خنده‌اش
- (۳) عادت او نیست خشم و دشمنی
- (۴) پایه‌های برجش از عاج و بلور

۵. در ابیات زیر، چند متمم وجود دارد؟

- هر چه می‌پرسیدم از خود، از خدا
- زود می‌گفتند: «این، کار خداست
- (۱) سه تا
- (۲) چهار تا
- (۳) پنج تا
- (۴) شش تا
- از زمین از آسمان از ابرها
- پرس و جو از کار او کاری خطاست

۶. قافیه‌ی بیت زیر، در کدام گزینه آمده است؟

- «مهربان و ساده و بی‌کینه است
- (۱) بی‌کینه، است
- (۲) بی‌کینه، آینه
- (۳) کینه، آینه
- (۴) آینه، است
- مثل نوری در دل آینه است»

۷. کدام یک از موارد زیر جزء ساختار بیرونی شعر «پیش از این‌ها» نیست؟

- (۱) شعر در قالب مثنوی سروده شده است.
- (۲) بسیار روان و ساده است.
- (۳) واژه‌های متن بسیار قابل فهم است.
- (۴) با زبانی کودکانه، مفهوم خداشناسی را به تصویر کشیده است.

۸. شعر «پیش از این‌ها» از کدام کتاب قیصر امین‌پور انتخاب شده است؟

- (۱) آیینه‌های ناگهان  
 (۲) به قول پرستوها  
 (۳) همه‌ی گل‌ها آفتاب‌گردانند  
 (۴) مثل چشمه، مثل رود

۹. کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- (۱) بی‌ریا  
 (۲) خشمگین  
 (۳) بوریای  
 (۴) دلگیر

۱۰. کدام یک از افعال زیر، به مسند نیاز دارد؟

- (۱) گفتمش  
 (۲) تازه کرد  
 (۳) نیست  
 (۴) می‌پرسیدم

## پاسخ‌نامه‌ی کلیدی درس اول

۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱
□□□□ ۹	□□□□ ۷	□□□□ ۵	□□□□ ۳	□□□□ ۱
□□□□ ۱۰	□□□□ ۸	□□□□ ۶	□□□□ ۴	□□□□ ۲

## پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای



۱. گزینه‌ی (۳)  
 (ش) در برجش، ضمیر متصل سوم شخص مفرد است.  
 (آش) در خانه‌اش، ضمیر متصل سوم شخص مفرد است.  
 (م) در پرسیدم، شناسه‌ی اول شخص مفرد است و ضمیر نیست.  
 «حضور» صحیح است.
۲. گزینه‌ی (۲)  
 ۳. گزینه‌ی (۱)
- گزینه‌ی (۲) به شب قدر و ضربت خوردن امام علی (ع) تلمیح دارد.  
 گزینه‌ی (۳) به داستان حضرت ایوب تلمیح دارد.  
 گزینه‌ی (۴) به داستان حضرت نوح و بیرون آمدن آب از تنور پیرزنی اشاره دارد.
۴. گزینه‌ی (۱)  
 - رعد و برق شب، طنین خنده‌اش است. (حذف فعل)  
 - عادت او خشم و دشمنی نیست.  
 - پایه‌های برجش از عاج و بلور ساخته شده است. (حذف فعل)
۵. گزینه‌ی (۴)  
 کلمات بعد از حرف اضافه، متمم نام دارد.
- هرچه می‌پرسیدم از خود از خدا  
 از زمین از آسمان از ابرها  
 زود می‌گفتند: این، کار خداست  
 پرس و جواز کار او کاری خطاست
۶. گزینه‌ی (۲)
۷. گزینه‌ی (۴)  
 قالب شعر، قابل فهم بودن و واژگان جزء ساختار بیرونی شعر است و مفهوم شعر و درک محتوای شعر جزء ساختار درونی شعر است.
۸. گزینه‌ی (۳)
۹. گزینه‌ی (۳)  
 همه‌ی گزینه‌ها غیرساده هستند به‌جز (بوریا) البته می‌توانیم بگوییم همه‌ی گزینه‌ها صفت هستند به‌غیر از بوریا.
۱۰. گزینه‌ی (۳)  
 فعل‌های «است، نیست، بود، نبود، باشد، گشت، گردید و شد» اسنادی هستند و به مسند نیاز دارند.

### پاسخ‌نامه‌ی کلیدی درس اول

۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱
□ □ □ □ ۹	■ □ □ □ ۷	■ □ □ □ ۵	□ □ □ ■ ۳	□ ■ □ □ ۱
□ ■ □ □ ۱۰	□ ■ □ □ ۸	□ □ ■ □ ۶	□ □ □ ■ ۴	□ □ ■ □ ۲

## حکایت

### «به خدا بچه بگویم؟»

روزی غلامی گوسفندان اربابش را به صحرا برد. گوسفندان در دشت، سرگرم چرا بودند که مسافری از راه رسید و با دیدن انبوه گوسفندان، به سراغ آن غلام (چوپان) رفت و گفت: «از این همه گوسفندانت، یکی را به من بده.»

چوپان گفت: «نه، نمی‌توانم این کار را بکنم؛ هرگز!».

مسافر گفت: «یکی را به من بفروش.»

چوپان گفت: «گوسفندان از آن من نیست.»

مرد گفت: «خداوندش را بگوی که گرگ ببرد.»

غلام گفت: «به خدای چه بگویم؟!»

## واژه‌نامه

انبوه: مقدار زیاد، فراوان  
غلام: خدمت‌کار

ارباب: مالک، صاحب  
هرگز: هیچ‌وقت  
خداوند: در این جا به معنی صاحب است.

## شرح برخی از عبارات:

- \* اربابش: مضاف و مضاف‌الیه است. - ش: ضمیر متصل سوم شخص مفرد است که گاهی نقش مضاف‌الیه دارد. گاهی هم پس از حرف اضافه می‌آید که نقش متممی دارد. مانند: آزش پرسیدم (از او پرسیدم) و هرگاه ضمیر متصل همراه بعضی از فعل‌های متعدی بیاید، نقش مفعولی دارد. مانند: گرفتمش، دیدمش
- \* سرگرم بودن: کنایه است از مشغول کاری بودن؛ سرگرم چرا بودند: مشغول چریدن بودند.
- \* گوسفندانت: مضاف و مضاف‌الیه است. - ت: ضمیر متصل دوم شخص مفرد است.
- \* هرگز: قید نفی است.
- \* خداوندش: صاحبش، - ش: ضمیر متصل سوم شخص مفرد
- در گذشته به صاحب و مالک چیزی «خدا» می‌گفتند.
- هنوز هم در کلمه‌ی «ناخدا» و «کدخدا» این اصطلاح را به کار می‌بریم.

ناخدا به معنی «صاحب ناو» و «ناو» یعنی کشتی، که به مرور زمان (و) در ناوخدا حذف گردیده است و به (ناخدا) تبدیل شده است.

کدخدا به معنی خداوند دهکده.

• در گذشته در ابتدای بیش‌تر فعل‌های ماضی ساده، حرف (ب) به کار می‌بردند؛ مثلاً به‌جای «خورد» می‌گفتند: بخورد. به‌جای «دید» می‌گفتند: «بدید و...»

**مفهوم حکایت:** امانت‌داری یکی از بزرگ‌ترین صفاتی است که بسیار به آن سفارش شده است و انسان باید از امانت دیگران مراقبت کند و به هیچ قیمتی نگذارد که آسیبی به امانت دیگران که اکنون در درست اوست، برسد.

در سوره‌ی نساء آیه ۵۸ سفارش شده است:

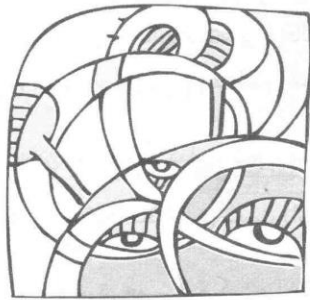
«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا»

«همانا خداوند به شما فرمان داده که امانات را به صاحبان آن‌ها برگردانید.»

## رساله‌ی قشیریّه

رساله‌ی قشیریّه مجموعه‌ی نامه‌ها و پیام‌هایی است که ابوالقاسم قشیری، آن را به صوفیان و شاگردان خود می‌فرستاده. نوشتن این کتاب از سال ۴۳۷ هـ. ق آغاز شده و به سال ۴۳۸ هـ. ق پایان گرفته است. موضوع کتاب که از دو باب تشکیل شده است، در شرح احوال مشایخ صوفیه و شرح اصطلاحات و تعبیرات عرفانی است.

## خوب جهان را ببین



به هر چه فکر می‌کنم پر از نشانه‌ی خداست

خدا که هر نشانه‌اش جواب صد سؤال ماست

اگر اندیشه‌ات را به کار گیری تا بتوانی به راز آفرینش پی

ببری، دلایل روشن به تو خواهند گفت که آفریننده‌ی

سورجی کوچک، همان آفریدگار درخت بزرگ خرماست.

چشم دل باز کن که جان بینی

آنچه نادیدنی است آن بینی

### واژه‌نامه



آفریننده: خالق

حلقه: کاسه‌ی چشم

جبه: اندام

بیافرید: آفرید

بواقراشته است: بالا برده است

بازیابد: پیدا کند، به دست آورد

پنداری: تصور می‌کند

قواز: بالا

شگفتی‌ها: عجایب

متحد: هم‌پیمان

عظمت: بزرگی

انباشته شده: جمع شده، متراکم گشته

تشبیه: مانند کردن

جلوه می‌کند: ظاهر می‌شود، خودنمایی می‌کند

در هم آمیخته: مخلوط شده



## شرح برخی از عبارات:

\* شب را چونان چراغی برمی‌گزینند تا در پرتو تاریکی آن، روزی خود را جست‌وجو کند.  
خفّاش، شب را مانند چراغی می‌داند. شب به چراغ تشبیه شده است.  
آرایه‌ی تناقض (پارادوکس) دارد.  
پرتو برای چراغ و نور آن است و تاریکی بی‌فروغ است. در حالی که در این عبارت از لفظ پرتو تاریکی استفاده شده است.

## تناقض

آوردن دو لفظ یا دو معنی در کلام که متناقض با یکدیگر باشند و آوردن آن‌ها در کنار یکدیگر نوعی تضاد را ایجاد کند، آرایه‌ی تناقض یا پارادوکس را می‌سازد. مانند:  
\* جیب‌هایم پر از خالی است. پر و خالی در تضاد هم هستند. اما در کنار یکدیگر معنی زیبایی ساخته‌اند. پُر بودن از خالی، نوعی مفهوم متناقض است.

\* من که دارم در گدایی، گنج سلطانی به دست کی طمع در گردش گردون‌دون‌پرور کنم؟  
بین گدایی و گنج سلطانی در دست داشتن، تضاد است. چه‌طور گدایی می‌تواند گنج سلطانی در دست بگیرد؟  
\* گوش ترحمی کو که ما نظر نپوشد دست غریق یعنی فریاد بی‌صدایم  
فریاد بی‌صدا نوعی تناقض است.

\* این بال‌ها همانند لاله‌های گوش‌اند، بی‌پر و بدون رگ‌های اصلی.  
آرایه‌ی تشبیه: بال‌های خفّاش‌ها به لاله‌های گوش تشبیه شده است.

\* ملخ حواس نیرومند و دو دندان پیشین دارد که گیاهان را می‌چیند و دو پای داس‌مانند که اشیا را برمی‌دارد.  
حواس: جمع حس (البته در زبان عربی مفرد حواس، «حاسه» است).  
آرایه‌ی تشبیه دارد. دو پای ملخ را به داس تشبیه کرده است.  
آرایه‌ی مراعات‌النظیر (تناسب) دارد. گیاهان، می‌چیند و داس با یکدیگر شبکه‌ی معنایی ساخته‌اند.

\* بال‌های زیبا که پرهای آن به روی یکدیگر انباشته شده و دم کشیده‌اش که آن را چونان چتری گشوده است که طاووس آن را بر خود سایبان می‌سازد؛ گویی بادبان کشتی است که ناخدا آن را برافراشته است.

(۱) کشتی و بادبان و ناخدا و برافراشته شدن  
(۲) بال، پر، دم  
(۳) چتر و سایبان  
آرایه‌ی مراعات‌النظیر دارد

آرایه تشبیه دارد:

۱) دم کتیده‌ی طاووس مانند چتری است که بر سر طاووس سایبان می‌سازد.  
 مشبه      ادات تشبیه      مشبه‌به      وجه‌شبهه

۲) دم طاووس، گویی بادبان کشتی است که ناخدا آن را برافراشته است.  
 مشبه      ادات تشبیه      مشبه‌به      وجه‌شبهه

« هرگاه برای یک مشبه، دو مشبه‌به آورده شود نوعی تشبیه عالی به کار رفته است که آن را «تشبیه جمع» می‌نامند.  
 دم طاووس یک‌بار به چتر و بار دیگر به بادبان کشتی تشبیه شده است.

« اگر رنگ‌های پرهای طاووس را به رویدنی‌های زمین تشبیه کنی، خواهی گفت: «دسته گلی است که از شکوفه‌های رنگارنگ گلهای بهاری فراهم آمده است.»

آرایه تشبیه:

۱) رنگ‌های پر طاووس به رویدنی‌ها تشبیه شده است.  
 مشبه      مشبه‌به

۲) پرهای طاووس شبیه دسته گلی است که از شکوفه‌های رنگارنگ گل‌های بهاری فراهم شده است.  
 مشبه      ادات تشبیه      مشبه‌به      وجه‌شبهه

مراعات‌التظیر (تناسب) ← شکوفه، گل، بهار، رویدنی

« اگر آن را با پارچه‌ی پوشیدنی همانند سازی، چون پارچه‌های زیبای پرنقش و نگار است.

تشبیه:

۱) پرهای طاووس همانند پارچه، پوشیدنی است.  
 مشبه      ادات تشبیه      مشبه‌به      وجه‌شبهه

۲) پرهای طاووس چون پارچه‌های زیبا، پرنقش و نگار است.  
 مشبه      ادات تشبیه      مشبه‌به      وجه‌شبهه

« تشبیه جمع است.

« پرهای طاووس چونان برگ خزان‌رسیده، می‌ریزد و دوباره می‌روید تا دیگر بار شکل و رنگ زیبای گذشته‌ی خود را بازیابد.

تشبیه: پرهای طاووس چونان برگ خزان‌رسیده، می‌ریزد.  
 مشبه      ادات تشبیه      مشبه‌به      وجه‌شبهه

« لحظه‌ای به سرخی گل، لحظه‌ای دیگر به سبزی و گاه به زردی زرناب، جلوه می‌کند.

مراعات‌التظیر (تناسب): سبزی، زردی، سرخی

## نهج البلاغه

نهج البلاغه گزیده‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان کوتاه امام علی (ع) است که شخصی به نام «سید رضی» در قرن چهارم آن را جمع‌آوری کرده است. این کتاب شامل سه باب است:

باب اول: خطبه‌ها و اوامر

باب دوم: نامه‌ها و رسائل و وصایا

باب سوم: کلمات قصار و حکمت‌آمیز و مواعظ

ترجمه‌ی متن درس «خوب جهان را ببین» از کتاب ترجمه و شرح «سید جعفر شهیدی» انتخاب شده است.



## صورتگر ماهر

### واژه‌نامه



تماثیل: جمع تمثال، شکل‌ها و تصویرها

هجرت: دوری، جدایی

صورتگر: نقاش

نژند: اندوهگین، غمناک

نغز: خوب و نیکو

کامکار: خوش‌بخت

ماهر: چیره‌دست

### شرح برخی از آیات:

\* راستی را کس نمی‌داند که در فصل بهار از کجا گردد پدیدار، این همه نقش و نگار؟

شعر در قالب قصیده سروده شده است که فقط پنج بیت آن در درس آورده شده است.

تفسیر: بهار، نگار، کامکار، آشکار، زار زار، کار

معنی بیت: به درستی که کسی نمی‌داند که این همه زیبایی در فصل بهار از کجا پیدا می‌شود و چگونه به وجود می‌آید.

\* (را) در این بیت حرف اضافه است به معنی (به) ← راستی را: به راستی

\* عقل‌ها حیران شود کز خاک تاریک نژند چون برآید این همه گل‌های نغز کامکار

کژ: مخفف که از

تاسید: گل و خاک با هم تناسب دارند.

چین: هنگامی که، وقتی که

بین تژند و کامکار آرایه‌ی تضاد وجود دارد.

معنی بیت: عقل از دیدن این که گل‌های زیبا و باطراوت از خاک سرد و تیره و سیاه بیرون می‌آیند و می‌رویند، سرگردان

و حیران می‌شود.

\* زمین را خشک می‌بینی، اما هنگامی که آب بر آن می‌فرستیم، به جنبش درمی‌آید و نمو می‌کند. (سوره فصلت، آیه ۳۹)

\* چون نپرسی کاین تماثیل از کجا آمد پدید؟ چون نجویی کاین تصاویر از کجا شد آشکار؟

چین (قید پرسشی است): چگونه

کاین: مخفف که این

بیت دارای آرایه‌ی موازنه است.

معنی بیت: چگونه از خودت نمی‌پرسی که این همه شکل و تصویر زیبای بهار چگونه و از کجا پس از سرمای زمستان

به وجود آمد و چگونه می‌توانی درباره‌ی علت این تصویرها و پیدایش آن‌ها کنج‌کاو نباشی؟

## بیش تر بدانیم

«موازنه» آن است که اجزاء مصراع اول با اجزاء مصراع دوم هم‌آهنگ و هم‌وزن باشند. و اگر همه‌ی اجزاء مصراع اول و مصراع دوم هم‌وزن باشند و حروف پایانی آن‌ها مانند هم باشند «ترصیع» نامیده می‌شود.

چون	نپرسی	کاین	تماثیل	از کجا	آمد	پدید
چون	نجویی	کاین	تصاویر	از کجا	آمد	آشکار

\* برق از شوق که می‌خندد بدین‌سان قاه قاه ابر از هجر که می‌گرید بدین‌سان زار زار؟

\* بیت آرایه‌ی تشخیص دارد.

(خندیدن را به رعد و برق و گریستن را به ابر نسبت داده است.)

\* بیت آرایه‌ی موازنه دارد.

برق	از	شوق	که	می‌خندد	بدین‌سان	قاه قاه
ابر	از	هجر	که	می‌گرید	بدین‌سان	زار زار

\* واج‌آرایی حرف (ر) در بیت وجود دارد. (درباره‌ی واج‌آرایی در درس‌های بعدی توضیح داده شده است.)

\* بیت آرایه‌ی تضاد دارد.

می‌خندد ≠ می‌گرید شوق ≠ هجر

\* قاه قاه و زار زار: قید حالت

معنی بیت: رعد و برق از شوق و عشق چه کسی این‌طور قاه قاه می‌خندد؟

ابر از دوری و فراق چه کسی این‌طور زار زار گریه می‌کند؟

\* کیست آن صورت‌نگر ماهر که بی‌تقلید غیر این همه صورت‌برد بر صفحه‌ی هستی به کار؟

صورت‌نگر ماهر: موصوف و صفت (ترکیب وصفی)

صفحه‌ی هستی: ترکیب اضافی (اضافه‌ی تشبیهی)

تقلید کردن: از روش کس دیگری پیروی کردن

معنی بیت: آن نقاش ماهر که استادانه، بدون تقلید از کس دیگری این همه زیبایی (بهار) را آفریده است؛ چه کسی است؟

## مجموعه «پرشان» میرزا حبیب شیرازی



میرزا حبیب شیرازی ملقب به قآنی، شاعر و نویسنده‌ی قرن سیزدهم است. او اولین شاعر ایرانی است که با زبان‌های فرانسه و ترکی و انگلیسی و عربی آشنایی داشت. از آثار قآنی: دیوان اشعار - مجموعه پریشان

### قالب شعری قصیده

مصراع اول، با مصراع‌های زوج، هم‌قافیه هستند.

تعداد ابیات آن از چهارده بیت بیش‌تر است.

در ستایش خداوند، امامان، پادشاهان و توصیف طبیعت سروده می‌شود.

از قرن سوم هـ. ق وارد ادبیات فارسی شد.

از معروف‌ترین قصیده‌سراها، خاقانی، رودکی، منوچهری و ناصر خسرو

از نظر شکل ظاهری شبیه به غزل است. اما در موضوع و تعداد ابیات با آن تفاوت دارد.

بیت اول را ((مطلع)) و بیت آخر را ((مقطع)) می‌نامند.

در لغت به معنی مانند کردن دو چیز به یک‌دیگر است. اگر چیزی یا کسی را از جهتی به چیزی یا کس دیگری مانند کنیم، در اصطلاح آرایه‌ی تشبیه به کار برده‌ایم.

هر شب آسمان مانند چادر سیاهی، تاریک می‌گردد.

برای زیباتر شدن کلام و محسوس‌تر شدن مفهوم گفته‌هایمان استفاده می‌کنیم.

هر تشبیه چهار رکن دارد:

- رکن اول ← مشبه: چیزی یا کسی که به چیز یا کس دیگری تشبیه می‌شود.
- رکن دوم ← مشبه‌به: چیزی یا کسی که مشبه به آن تشبیه شده است.
- رکن سوم ← وجه‌شبهه: ویژگی مشترک و دلیل تشابه بین مشبه و مشبه‌به را بیان می‌کند.
- رکن چهارم ← ادات تشبیه: کلماتی که شباهت را نشان می‌دهند. مثل: همچون، همانند، چون، مثل، به‌سان، به‌کردار، همچو و...

شی چون چاه بیژن تنگ و تاریک      چو بیژن در میان چاه او من  
 مشبه      ادات تشبیه      مشبه‌به      وجه‌شبهه      ادات تشبیه      مشبه‌به      وجه‌شبهه      مشبه

- \* امکان دارد در تشبیه، ترتیب ارکان رعایت نشود.
- گاهی مشبه قبل از بقیه‌ی ارکان می‌آید و گاهی پس از آن‌ها.
- (مصراع دوم بیت بالا شاهدهی برای این نکته می‌باشد).

\* بَلَمَ آرام چون قوی سبکبار      به نرمی بر سر کارون همی رفت  
 مشبه      وجه‌شبهه      ادات تشبیه      مشبه‌به      به      نرمی      بر      سر      کارون      همی      رفت

- \* او در یک شب ظلمانی، چون اختری روشن و پرفروغ از تاریکی ها گریخت.  
 مشبه      ادات تشبیه      مشبه‌به      وجه‌شبهه
- \* گاهی ممکن است وجه‌شبهه از عبارتی که تشبیه دارد، حذف شود. در این صورت، خود مخاطب به علت تشبیه مشبه و مشبه‌به، پی می‌برد.

\* خرد همچو جان است زی هوشیار      خرد را چنین خوار مایه مدار  
 مشبه      ادات تشبیه      مشبه‌به      وجه‌شبهه

(وجه‌شبهه حذف شده است. وجه‌شبهه عزیز بودن و گرانبایه بودن جان و خرد است.)

\* در برخی از تشبیه‌ها، ادات تشبیه حذف می‌شود.

\* خرم‌شهر شقایقی خون‌رنگ است که داغ جنگ را بر سینه دارد.  
 مشبه      مشبه‌به      وجه‌شبهه

(ادات تشبیه حذف شده است.)

- در تشخیص ادات تشبیه باید به معنی واژه‌ی «چون» دقت کنیم که در معنی «مانند» آمده باشد. «چون» در معنای «زیرا»، «وقتی» و «چگونه» هم آمده است.
- مانند: تو مردم بین که چون بی‌رای و هوش‌اند که جانی را به نانی می‌فروشدند چگونه
- \* گاهی مشبه و مشبه‌به، در قالب یک عبارت می‌آیند نه یک کلمه.

مثلاً در بیت زیر، مصراع اول به طور کامل به مصراع دوم تشبیه شده است.

آن قطره‌ی باران که برافتد به گل سرخ      چون اشک عروسی است برافتاده به رخسار  
مشبه      ادات تشبیه      مشبه‌به

وجه‌شبه: قرار گرفتن شب‌نم روی گل و اشک روی صورت عروس.

طرفین تشبیه یعنی مشبه و مشبه‌به.

✽ در برخی از تشبیه‌ها ادات تشبیه و وجه‌شبه حذف می‌شوند که در این صورت ارزش ادبی تشبیه بالاتر می‌رود.

نگاهش خنجر است و کلاهش شمشیر.  
مشبه (۱)      مشبه‌به (۱)      مشبه (۲)      مشبه‌به (۲)

(ادات تشبیه و وجه‌شبه حذف شده است.)

✽ اگر در تشبیهی وجه‌شبه و ادات آن حذف شوند و مشبه و مشبه‌به، نوعی ترکیب اضافی بسازند، به آن ترکیب

«اضافه‌ی تشبیهی» می‌گویند.

مثلاً چراغ هدایت } (۱) ترکیب اضافی است که جای مضاف و مضاف‌الیه عوض شده است.  
 مشبه‌به مشبه } (۲) اضافه‌ی تشبیهی است. (هدایت مانند چراغی راهنما است.)

\* خوان کرم گسترده‌ای، مهمان خویشم کرده‌ای  
مشبه‌به مشبه  
 اضافه‌ی تشبیهی

گوشم چرا مالی اگر من گوشه‌ی نان بشکنم  
 (مولوی)

\* دیشب به سیل اشک، ره خواب می‌زدم  
مشبه‌به مشبه  
 اضافه‌ی تشبیهی

تقش به یاد روی تو بر آب می‌زدم  
 (حافظ)



## تمرین‌های تشریحی

۱) مترادف (هم‌معنی) واژه‌های زیر را از جدول زیر پیدا کن و مقابل آن بنویس.

پ	ر	ص	د	ض	ش	ت	ب
ک	ا	س	ه	ی	چ	ش	م
ت	ن	ی	ک	و	ر	ن	ت
ش	د	و	ر	ی	ع	ق	ع
ب	ا	ل	ا	د	ظ	ا	ج
غ	م	ن	ا	ک	ظ	ش	ب
گ	ل	ز	ع	ج	ا	ی	ب
ش	ک	ل	ه	ا	ف	ش	ر

- جَنّه: .....
- شگفتی‌ها: .....
- فراز: .....
- حدقه: .....
- نژند: .....
- نغز: .....
- تمایل: .....
- صورتگر: .....
- هجر: .....
- حیران: .....

۲) درستی و نادرستی عبارتهای زیر را مشخص کن.

- درست     نادرست
- درست     نادرست
- درست     نادرست
- درست     نادرست
- درست     نادرست

- \* بال‌های خفاش‌ها شبیه لاله‌ی گوش است.
- \* در حالی که خفاش‌ها پرواز می‌کنند فرزندان‌شان به شکم آن‌ها چسبیده‌اند.
- \* تمام اندام ملخ‌ها به اندازه‌ی یک انگشت باریک است.
- \* ملخ‌ها دارای گوش پنهان، دو چشم سرخ و دو حدقه‌ی چوون ماه تابان هستند.
- \* پرهای طاووس مانند بادبان کشتی است که ناخدا آن را برافراشته است.

۳) ارکان تشبیه را در عبارات زیر مشخص کن.

- \* خفاش، شب را چوون چراغی برمی‌گزیند.
- \* طاووس دم کشیده‌اش را چوون چتری گشوده است و آن را بر سر خود سایبان ساخته است.
- \* پرهای طاووس همانند پارچه‌های زیبا پرنقش و نگار است.

۴) مفرد کلمات جمع را بنویس.

مفرد	جمع	مفرد	جمع	مفرد	جمع
.....	اطراف	.....	حواس	.....	دلایل
.....	تمایل	.....	اشیا	.....	اسرار

۵) با توجه به بیت زیر، به سؤالات پاسخ بده.

«برق از شوق که می خندد بدین سان قاه قاه / البراز هجر که می گیرد بدین سان زار زار»

\* بیت از چند جمله تشکیل شده است؟

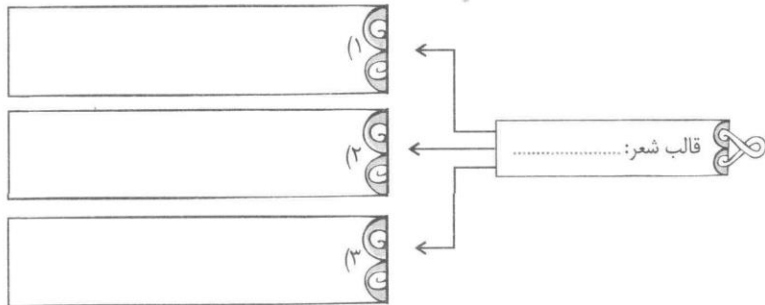
\* نوع جمله را مشخص کن.

\* دو کلمه‌ی متضاد از بیت پیدا کن.

\* در بیت، چه آرایه‌های ادبی به کار رفته است؟

\* بیت را به نثر روان بازنویسی کن.

۶) قالب شعر «صورتگر ماهر» چیست؟ به سه تا از ویژگی‌های این قالب شعری اشاره کن.



۷) با توجه به عبارات زیر، نقش دستوری کلماتی را که زیر آن‌ها خط کشیده شده است، مشخص کن.

«ملخ، حواسی نیرومند و دو دندان پیشین دارد که گیاهان را می چیند و دو پای داس‌مانند که اشیا را برمی دارد. کشاورزان  
(۱) (۲) (۳) (۴) (۵)

از ملخ‌ها می ترسند و قدرت دفع آن‌ها را ندارند.»

(۶) (۷)

..... (۱) ..... (۲) ..... (۳) ..... (۴)

..... (۵) ..... (۶) ..... (۷)

## کلمه‌های مهم آملايي



حیران - تَرند - نغز - تماثیل - تصاویر - قاه قاه - هجر - صورتگر - تقلید - صفحه - حکیمانه - شگفتی -  
حواس - قدرت دفع - متحد - کشتزار - طاووس - لحظه‌ای - جلوه - کاکل - در هم آمیخته - شکاف -  
برآمدگی - نهج البلاغه - خطبه

## نکته‌های املائی

۱) میان واژه‌ها فاصله معینی وجود دارد که به آن فاصله «میان واژه‌ای» می‌گویند. رعایت نکردن فاصله‌ی مناسب بین حروف یک کلمه یا جمله در خواندن و نوشتن کلمات اشکال ایجاد می‌کند. مانند:  
او هر روز نامه‌ای می‌خواند. ← او هر روز نامه‌ای می‌خواند.

۲) در املائی کلمات مرکب، نوشتن هر دو شکل (جدانویسی) و (سرهم‌نویسی) صحیح است.  
\* کلمات مرکب، کلماتی هستند که هر دو جزء آن معنی‌دار هستند. مانند:  
خوش حال (خوشحال) - کتاب‌خانه (کتابخانه) - دست‌مزد (دستمزد)  
\* اما کلمات غیرساده‌ای که پیشوند یا پسوند دارند حتماً سرهم نوشته می‌شوند. چون یک جزء بی‌معنی دارند که به‌طور جداگانه و مستقل معنی خاصی ندارد. مانند:  
صورتگر - کشتزار - شمعدان - دانشمند

۸) از متن درس، سه کلمه‌ی غیرساده‌ی پسوندی و سه کلمه‌ی مرکب پیدا کن و بنویس.

کلمات مرکب	کلمات پسوندی

۹) هر چند تا کلمه که از متن درس به یاد داری در کادر زیر بنویس.



## پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱. «تمثیل» یعنی:

- (۱) اشیاء     
  (۲) شکل‌ها     
  (۳) ضرب‌المثل‌ها     
  (۴) سیل

۲. در بیت زیر، کدام آرایه‌ی ادبی به کار نرفته است؟

«کیست آن صورتگر ماهر که بی‌تقلید غیر  
این همه صورت برد بر صفحه‌ی هستی به کار؟»

- (۱) استعاره     
  (۲) واج‌آرایی     
  (۳) تشخیص     
  (۴) تشبیه

۳. در بیت زیر به ترتیب چند مفعول و چند مسند به کار رفته است؟

«راستی را کس نمی‌داند که در فصل بهار  
از کجا گردد پدیدار این همه نقش و نگار»

- (۱) یک مفعول و یک مسند     
  (۲) مفعول ندارد و یک مسند  
 (۳) دو مفعول و یک مسند     
  (۴) مفعول و مسند ندارد.

۴. در کدام بیت، آرایه‌های «تشخیص، تضاد و واج‌آرایی» وجود دارد؟

- (۱) راستی را کس نمی‌داند که در فصل بهار  
 (۲) عقل‌ها حیران شود از خاک تاریک نژند  
 (۳) کیست آن صورتگر ماهر که بی‌تقلید غیر  
 (۴) برق از شوق که می‌خندد بدین‌سان قاه قاه  
 (۱) از کجا گردد پدیدار این همه نقش و نگار  
 (۲) چون برآید این همه گل‌های نغمه‌کامکار  
 (۳) این همه صورت برد بر صفحه‌ی هستی به کار  
 (۴) ابر از هجر که می‌گرید بدین‌سان زار زار

۵. واژه‌های کدام گزینه به ترتیب در معنای «غمناک، خوش‌بخت، اندام، پندار» به کار رفته است؟

- (۱) نژند، کامکار، جثه، تصوّر     
  (۲) اندوهگین، نژند، قوی، فکر  
 (۳) نژند، کامروا، جثه، پند و نصیحت     
  (۴) نژند، کامکار، هیکل، اندرز

۶. مجموعه پریشان اثر ..... است.

- (۱) صائب تبریزی     
  (۲) قالی شیرازی  
 (۳) وصال شیرازی     
  (۴) ملک‌الشعراء بهار

۷. زمان فعل در کدام گزینه به درستی نشان داده شده است؟

- (۱) لحظه‌ای به سبزی و گاه به زردی زر ناب جلوه می‌کند. (مضارع اخباری)  
 (۲) دلایلی روشن به تو خواهند گفت: (مضارع التزامی)  
 (۳) فرزندان‌شان به آن‌ها چسبیده‌اند. (ماضی ساده)  
 (۴) خدا برای او دو چشم سرخ و دو حدقه آفرید. (ماضی استمراری)

۸. در کدام یک از گزینه‌ها تشبیه وجود ندارد؟

- (۱) خفّاش شب را چونان چراغی برمی‌گزیند تا در پرتو تاریکی آن، روزی خود را جست‌وجو کند.
- (۲) پروردگار بال‌هایی برای پرواز خفّاش آفرید که همانند لاله‌ی گوش هستند.
- (۳) خداوند برای ملخ دو چشم سرخ و دو حدقه چونان ماه تابان آفرید.
- (۴) ملخ‌ها آن‌چه میل دارند می‌خورند، در حالی که اندامشان به اندازه‌ی یک انگشت باریک نیست.

۹. در کدام گزینه، ارکان تشبیه درست نشان داده نشده است؟

- (۱) ملخ‌ها دو پای داس‌مانند دارند که اشیاء را برمی‌دارد. (مشبه: داس)
- (۲) دم کشیده‌ی طاووس چونان چتری گشوده است که طاووس، آن را بر سر خود سایبان می‌سازد. (مشبه‌به: چتر)
- (۳) دم طاووس گویی بادبان کشتی است که ناخدا آن را برافراشته است. (وجه‌شبه: برافراشته شدن بادبان)
- (۴) پره‌های طاووس چونان برگ خزان‌رسیده می‌ریزد. (مشبه‌به: برگ خزان‌رسیده)

۱۰. در کدام گزینه اضافهی تشبیهی وجود دارد؟

- (۱) از شگفتی‌های آفرینش خالق بی‌همتا، اسرار پیچیده‌ی حکیمانه در آفریدن خفّاشان است.
- (۲) خفّاش از حرکت در نور درخشان ناتوان است.
- (۳) به مورچه نگاه کن که چگونه عظمت خلقت او با چشم و اندیشه‌ی انسان درک نمی‌شود.
- (۴) طاووس با چتر پره‌ایش سایبان زیبایی برای خود می‌سازد.

## پاسخ‌نامه‌ی کلیدی درس دوم

۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> ۹	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> ۷	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> ۵	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> ۳	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> ۱
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> ۱۰	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> ۸	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> ۶	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> ۴	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> ۲

## پاسخ تشریحی پرسش‌های چهار گزینه‌ای

۱. گزینه‌ی (۲)
۲. گزینه‌ی (۳)
- صورتگر ماهر، استعاره از خداوند است. (خداوند مانند صورتگری است).  
 بین حروف (ص) و (ت) واج‌آرایی یا نغمه‌ی حروف وجود دارد.  
 «صفحه‌ی هستی» اضافه‌ی تشبیه‌ی است.  
 «هستی مانند صفحه‌ای است که خداوند در آن نقاشی کرده است.»
۳. گزینه‌ی (۱)
- پدیدار: مسند است چون «گردد» فعل اسنادی است.  
 نمی‌داند: چه چیزی را؟ این که در فصل بهار از کجا نقش و نگارها پدیدار می‌شوند.  
 مفعول
۴. گزینه‌ی (۴)
- تشخیص: خندیدن برق و گریستن ابر  
 تضاد: خندیدن ≠ گریستن ، هجر ≠ شوق  
 واج‌آرایی: حرف (ر)
۵. گزینه‌ی (۱)
۶. گزینه‌ی (۲)
۷. گزینه‌ی (۱)
- خواهند گفت: آینده  
 چسبیده‌اند: ماضی نقلی  
 آفرید: ماضی ساده
۸. گزینه‌ی (۴)
۹. گزینه‌ی (۱)
- داس: مشبیه (پای ملخ مانند داس است).
۱۰. گزینه‌ی (۴)
- چتر پرهایش (اضافه‌ی تشبیه‌ی است).  
 پرهایش مانند چتر است.

## پاسخ‌نامه‌ی کلیدی درس دوم

۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	-	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱
□ □ □ ■ ۹	□ □ □ ■ ۷		□ □ □ ■ ۵	□ □ □ ■ ۳	□ □ ■ □ ۱
■ □ □ □ ۱۰	■ □ □ □ ۸		□ □ □ □ ۶	■ □ □ □ ۴	□ ■ □ □ ۲

«جوانه و سنگ»

واژه‌نامه

بی‌تاب: بدون توانایی و تحمل	طراوت: تازگی
سجاقک: نوعی حشره‌ی با چهار بال نازک و بلند و بدنی کشیده	
افق: کرانه‌ی آسمان	از پای درآوردن: کنایه است از کشتن و نابود کردن
بهت: حیرت و شگفتی	خشکش زد: کنایه از تعجب بسیار
ذرات: جمع ذره	

بررسی برخی از عبارات:

- \* جوانه‌آخم‌هایش را در هم کشید: آرایه‌ی تشخیص یا جان‌دار پنداری، کنایه از ناراحت شدن
- \* سنگ لبخندی زد: تشخیص
- \* جوانه گفت: تشخیص
- \* به‌طور کلی شخصیت‌های داستان «جوانه و سنگ» چون انسان نیستند و شخصیت انسانی به آن‌ها داده شده است. در بیش‌تر قسمت‌ها از آرایه‌ی جان‌بخشی یا تشخیص استفاده شده است.
- \* بوی آب می‌شنوم: حس آمیزی دارد.
- \* از پای درآوردن: کنایه از کشتن و نابود کردن
- \* خشکش زد: کنایه از تعجب کرد

## بیش تر بدانیم

به عبارت‌های «بوی آب می‌شنوم» و ترکیبات «آهنگ لطیف»، «قصه‌های شیرین»، «خبر تلخ» و «صدای زیبا» دقت کن.

در هر یک از آن‌ها دو حس از حواس پنج‌گانه‌ی بینایی، شنوایی، چشایی، لامسه و بویایی را در هم ریخته‌ایم؛ یعنی وقتی می‌گوییم «بوی آب را می‌شنوم»، بو را که مربوط به حس بویایی است با شنیدن که مربوط به حس شنوایی است به کار برده‌ایم و در «آهنگ لطیف» دو حس شنوایی و لامسه را و در «قصه‌های شیرین»، شنوایی و چشایی را در هم آمیخته‌ایم.

به این نوع کاربرد یا در هم آمیختن حواس «حس آمیزی» می‌گویند. مانند:

\* بوی دهن تو از چمن می‌شنوم رنگ تو ز لاله و سمن می‌شنوم

\* در جواب هر سؤالی حاجت گفتار نیست چشم گویا عذر می‌خواهد لب خاموش را

\* از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر یادگاری که در این گنبد دوار بماند

\* هوا گرم‌تر شده بود. خورشید هر لحظه نور گرم و سوزانش را بیش‌تر بر سینه‌ی زمین پهن می‌کرد. آرایه‌ی مراعات‌النظیر دارد. (گرم، خورشید، نور، سوزان)

داستان «جوانه و سنگ» را با حفظ شخصیت‌ها و اتفاق‌های مهم داستان، در چند سطر خلاصه کن.

